

تأثیر امنیت اقتصادی بر فرآیند رشد اقتصادی
در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تأکید بر ایران

دکتر احمد جعفری صمیمی^۱

شهرام اختیاری^۲

تاریخ ارسال: ۱۳۸۸/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۸/۹

چکیده

در این پژوهش به بررسی رابطه رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تکیه بر ایران پرداخته‌ایم. در دوره مورد بررسی (۱۹۹۷-۲۰۰۵) نتایج برآورد مدل از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که متغیرهای رشد جمعیت، رشد نیروی کار، رشد سرمایه، سهم دولت در اقتصاد، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی و امنیت اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته، در حالی که متغیر نرخ تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ایران در این دوره از متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی بالاتر بوده است. از سوی دیگر، شاخص امنیت اقتصادی ایران در این دوره از متوسط شاخص امنیت اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی کمتر بوده که نشان‌دهنده سطح پایین امنیت اقتصادی در ایران است.

واژگان کلیدی: امنیت اقتصادی، رشد اقتصادی، کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، ایران.

طبقه‌بندی JEL: O۵۳، B۵۲، C۲۳.

مقدمه

سرمایه‌گذاری به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی، در تمام کشورهای جهان از اهمیت بسیاری برخوردار است. لازمه رشد اقتصادی، تولید بیشتر و سرمایه‌گذاری افزون‌تر است که تمام اینها مستلزم امنیت سرمایه‌گذاری و در نتیجه امنیت اقتصادی است. در دهه‌های اخیر به‌طور میانگین تنها حدود ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی واقعی کشور به سرمایه‌گذاری اختصاص یافته که در مقایسه با کشورهایی همچون ترکیه و پاکستان بسیار ناچیز است. مقایسه روند تاریخی نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در ایران و کشورهای دیگر نشان‌دهنده این واقعیت است که این نسبت در ایران هیچ‌گاه به حد قابل قبولی ارتقا نیافته است. سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی (هر دو به قیمت‌های ثابت) برای یک دوره صد ساله را در جدول ۱ ارائه کرده‌ایم.

جدول ۱- نسبت *IGDP* در ایران به قیمت‌های ثابت در صد سال اخیر

۱. استاد دانشگاه مازندران jafarisa@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی

سال	۱۳۷۹	۱۲۸۹	۱۲۹۹	۱۳۰۹	۱۳۱۹	۱۳۲۹	۱۳۳۹	۱۳۴۹	۱۳۵۹	۱۳۶۹	۱۳۷۹
I/GDP	%۷/۶	%۹	%۸/۵	%۱۱/۶	%۱۴/۳	%۱۰/۱	%۱۱/۴	%۱۳/۵	%۱۹/۵	%۱۱/۲	%۱۴/۶

ماخذ: اقتصاد ایران، جویان باری بر (برای سال های ۱۲۷۹ تا ۱۳۳۹) و مجموعه اطلاعات آماری از ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۵ (برای سال های ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۹) و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمارهای اقتصادی (برای سال های ۱۳۷۰)

ارقام جدول ۱ نشان می‌دهد که در یکصد ساله اخیر به‌طور میانگین تنها حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی واقعی کشور به سرمایه‌گذاری اختصاص یافته است. اگر سرمایه‌گذاری و تولید را با قیمت‌های جاری محاسبه کنیم سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی در یکصد ساله اخیر به حدود ۲۰ درصد بالغ خواهد شد. هر یک از این دو از جهتی برای اهداف تحلیلی سودمندند: نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری، نشان دهنده اقدام دولت و انگیزه بخش خصوصی برای سوق دادن منابع در اختیارشان به سمت سرمایه‌گذاری است. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی قیمت‌های ثابت با حذف تورم در هر یک از دو فرآیند (فرآیند محاسبه سرمایه‌گذاری در اقتصاد که می‌توانیم آن را سرمایه‌گذاری مؤثر بنامیم) را نشان می‌دهد. این ارقام به خودی خود اطلاعات زیادی در اختیار ما نمی‌گذارند. برای این که بتوانیم با استفاده از ارقام تصویر روشنی از وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران پیدا کنیم لازم است آنها را با ارقام مشابه برای دیگر کشورها مقایسه نماییم. کشورهای پاکستان و ترکیه برای این مقایسه انتخاب شده‌اند. به‌منظور یکنواخت کردن ارقام در همه موارد از قیمت جاری استفاده کرده‌ایم. جدول ۲ نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۶ نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در ایران، پاکستان و ترکیه چگونه تغییر کرده است. نتیجه‌ای که از مشاهده ارقام جدول ۲ به‌دست می‌آید این است که در مقایسه با کشوری همچون ترکیه، به‌ویژه در ۱۵ ساله اخیر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، ایران را به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب بستر مناسبی برای به کار انداختن سرمایه‌های خود تشخیص نداده و فرصت‌های دیگر را بر سرمایه‌گذاری در داخل ایران مقدم داشته‌اند. چنین مشاهده‌ای را می‌توان در نوسانات زیاد سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر مقایسه کرد. در حالی که کشورهای منطقه مورد مقایسه ثبات نسبی سرمایه‌گذاری خود را نشان داده‌اند؛ حال، پژوهش اصلی این است که علت چیست؟

دارنده سرمایه هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری به دو "اطمینان" نیاز دارد:

نخست، اطمینان از سودآوری قابل قبول پروژه‌ای که به‌وسیله سرمایه او تأمین مالی می‌شود.

دوم، اطمینان از امنیت اقتصادی و در واقع اطمینان از عدم تعرض سیاسی، نظامی، حقوقی، فرهنگی و جز اینها به سرمایه او که اکنون به‌صورت ساختمان، ماشین آلات و موارد دیگر است. دارنده سرمایه، سرمایه‌های خود را به کشور یا صنعتی خواهد برد که در آن علایم وجود این دو اطمینان را مشاهده کند. این که رشد اقتصادی در ایران تا چه حد تحت تأثیر گزینه دوم قرار دارد، پرسشی است که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است. برای اندازه‌گیری امنیت اقتصادی از شاخص بنیاد هریتیج^۳ استفاده می‌کنیم.

جدول ۲. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی (قیمت جاری) در ایران و کشورهای منتخب در سال‌های گذشته

ترکیه	پاکستان	ایران	سال میلادی	سال شمسی
۱۳.۰۹	۱۵.۶۳	۲۰.۳۰	۱۹۷۱	۱۳۵۰
۱۵.۹۵	۱۴.۱۸	۲۱.۰۲	۱۹۷۲	۱۳۵۱
۱۴.۶۹	۱۲.۹۳	۱۲.۵۳	۱۹۷۳	۱۳۵۲
۱۷.۰۶	۱۳.۳۷	۱۹.۷۹	۱۹۷۴	۱۳۵۳
۱۷.۸۹	۱۶.۲۳	۴۴.۳۳	۱۹۷۵	۱۳۵۴
۱۹.۵۲	۱۷.۲۴	۳۳.۰۵	۱۹۷۶	۱۳۵۵
۱۹.۹۱	۱۹.۲۷	-۱۳.۳۵	۱۹۷۷	۱۳۵۶
۱۴.۶۸	۱۷.۸۶	-۱۷.۸۱	۱۹۷۸	۱۳۵۷
۱۴.۱۴	۱۷.۸۸	-۳۰.۳۶	۱۹۷۹	۱۳۵۸
۱۸.۱۶	۱۸.۴۸	۴.۰۵	۱۹۸۰	۱۳۵۹
۱۷.۸۷	۱۸.۷۷	-۷.۹۱	۱۹۸۱	۱۳۶۰
۱۶.۹۵	۱۹.۲۶	۷.۴۰	۱۹۸۲	۱۳۶۱
۱۶.۲۹	۱۸.۸۰	۴۴.۱۵	۱۹۸۳	۱۳۶۲
۱۶.۱۸	۱۸.۲۷	-۷.۴۲	۱۹۸۴	۱۳۶۳
۱۶.۵۱	۱۸.۳۲	-۱۹.۶۶	۱۹۸۵	۱۳۶۴
۱۸.۸۵	۱۸.۷۷	-۱۵.۴۷	۱۹۸۶	۱۳۶۵
۲۵.۶۷	۱۹.۱۳	-۲.۴۸	۱۹۸۷	۱۳۶۶
۲۵.۱۴	۱۸.۰۱	-۱۹.۶۷	۱۹۸۸	۱۳۶۷
۲۳.۴۷	۱۸.۹۱	۷.۴۲	۱۹۸۹	۱۳۶۸
۲۴.۳۵	۱۸.۹۴	۱۳.۸۵	۱۹۹۰	۱۳۶۹
۲۲.۷۲	۱۹.۰۳	۴۶.۳۷	۱۹۹۱	۱۳۷۰
۲۳.۸۶	۲۰.۲۴	-۳.۴۸	۱۹۹۲	۱۳۷۱
۲۷.۶۱	۲۰.۸۲	-۱۰.۳۱	۱۹۹۳	۱۳۷۲
۲۱.۴۸	۱۹.۵۵	-۱۴.۲۲	۱۹۹۴	۱۳۷۳
۲۵.۴۷	۱۸.۵۵	-۴.۵۴	۱۹۹۵	۱۳۷۴
۲۴.۵۵	۱۹.۰۰	۲۵.۰۳	۱۹۹۶	۱۳۷۵
۲۵.۱۱	۱۷.۹۲	۱۲.۴۹	۱۹۹۷	۱۳۷۶
۲۴.۱۸	۱۷.۷۱	۳.۲۵	۱۹۹۸	۱۳۷۷
۲۳.۳۵	۱۵.۵۷	۵.۸۰	۱۹۹۹	۱۳۷۸
۲۴.۵۱	۱۷.۳۸	۴.۱۱	۲۰۰۰	۱۳۷۹
۱۶.۷۸	۱۷.۱۹	۱۶.۳۷	۲۰۰۱	۱۳۸۰
۲۱.۳۲	۱۶.۷۸	۱۲.۰۱	۲۰۰۲	۱۳۸۱
۲۲.۷۸	۱۶.۹۴	۲۳.۵۵	۲۰۰۳	۱۳۸۲
۲۵.۷۱	۱۷.۳۳	۱۰.۹۲	۲۰۰۴	۱۳۸۳

۲۴.۷۷	۱۶.۸۴	۷.۲۸	۲۰۰۵	۱۳۸۴
۱۳.۰۹	۱۵.۶۳	۱۴.۳۷	۲۰۰۶	۱۳۸۵

منبع: بانک جهانی (WDI, ۲۰۰۷)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ضرورت و اهداف پژوهش

در این پژوهش بر آنیم که تأثیر امنیت اقتصادی را بر فرآیند رشد اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تأکید بر ایران بررسی کنیم. این موضوع از لحاظ علمی در ردیف گروه‌های تجربی رشد طبقه بندی می‌شوند. از آنجائی که رشد اقتصادی یکی از اهداف مهم اقتصاد کلان در این کشورها و کشور ما محسوب می‌شود، لذا بررسی عواملی از قبیل امنیت اقتصادی بر روی رشد اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها نتایج قابل‌ارائه‌ای در اقتصاد ایجاد نماید. از نظر بسیاری از اقتصاددانان، سرمایه در تحقق رشد اقتصادی نقش اساسی و کلیدی دارد. هر اقتصادی برای فراهم‌آوردن عامل سرمایه نیازمند سرمایه‌گذاری است و سرمایه‌گذاری در صورتی در حد و اندازه مطلوب تحقق می‌یابد که نهادهای موجود در جامعه بتوانند امنیت مورد نیاز سرمایه‌گذاری را تأمین کنند. در ادبیات امروز سرمایه‌گذاری - به‌ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۴ مبحث امنیت سرمایه‌گذاری و تضمین حقوق سرمایه‌گذار بخش وسیعی از مباحثات را به خود اختصاص داده است. بحث "سلب مالکیت"^۵ که خود زیرمجموعه بحث کلان تر "نگرانی مالکیت"^۶ است، دل‌مشغولی نخست دارندگان سرمایه برای سرمایه‌گذاری به‌ویژه در یک کشور خارجی است.

امنیت، یک کالای عمومی است و برخورداری از آن همانند هر کالای دیگر، مستلزم صرف هزینه است. با این وجود به دلیل زیانهای ناشی از عدم امنیت که به دلیل از دست‌دادن فرصت‌های جذب سرمایه متوجه اقتصادها می‌شود، کشورها معمولاً برای دستیابی به آن حداقل تا زمان دستیابی به سطحی معقول از امنیت اقتصادی خود را درگیر تحلیل‌های هزینه-فایده نمی‌کنند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر هزینه‌هایی را که اقتصاد ایران به‌صورت مستقیم برای تحصیل امنیت - یا غیرمستقیم - از طریق از دست‌دادن فرصت‌های جذب سرمایه در دهه‌های اخیر متحمل شده، محاسبه کنیم، بدون تردید، به رقم بسیار بزرگی خواهیم رسید که بخش اصلی آن از نوع غیرمستقیم یعنی به دلیل طرد سرمایه‌های داخلی و عدم جذب سرمایه‌های خارجی بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۴ . Foreign Direct Investment

^۵ . Expropriation

^۶ . Taking of property

۲. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مسائل بیان شده در تعریف مسأله، مهم‌ترین فرضیاتی که مطرح است، عبارتند از:

- ۱-۲. میان امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی یک رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.
- ۲-۲. عملکرد ایران در رابطه با امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی با متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی یکسان است.

۳. پرسش‌های پژوهش

مهم‌ترین پرسش‌های مطرح شده در این پژوهش عبارتند از:

- ۱-۳. مفهوم امنیت اقتصادی چیست؟
- ۲-۳. شاخص‌های امنیت اقتصادی کدامند؟
- ۳-۳. رابطه امنیت اقتصادی با رشد اقتصادی چگونه است؟
- ۴-۳. آیا میان امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟
- ۵-۳. آیا عملکرد ایران در زمینه امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی با متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی متفاوت است؟

۴. مروری بر ادبیات نظری

حسین‌زاده (۱۳۸۲) در پژوهش خود به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران پرداخته و با بررسی شاخص‌های ارائه شده توسط مؤسسات بین‌المللی مختلف رتبه‌بندی در سال‌های مختلف و نحوه محاسبه این شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر آنها، عوامل ناامن کننده محیط سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران را به شرح زیر می‌داند:

۱. *مدخلات غیرمنطقی دولت در اقتصاد*: شامل مواردی همچون وضع مقررات اضافی در زمینه کسب و کار، دخالت غیرضروری در بازار کالاها و خدمات، دخالت در بازار کار، اعطای یارانه‌ها و وضع تعرفه‌های غیر منطقی،
۲. *ساختار نامناسب اقتصاد کشور*: وابستگی به نفت، سیستم مالی و بیمه دولتی، تورم مزمن، کسری بودجه، کسری تجاری و جز اینها.
۳. *حوزه مسائل حقوقی*: شفاف نبودن قراردادها، کیفیت نامطلوب قوانین، کارآمد نبودن قوانین مربوط به مالکیت خصوصی، وجود راه‌های قانونی برای سلب مالکیت خصوصی، محدودیت شدید بر مالکیت خارجی، محدودیت بانک‌های خارجی برای ایجاد شعبه در ایران، برخورد دوگانه قانون با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و موارد دیگر،
۴. *حوزه مسائل قضایی*: کارآمد نبودن دستگاه قضایی، قابل پیش‌بینی نبودن نتایج داورهای، زمان‌بر بودن فرآیند دادرسی، فساد در دستگاه قضایی، عدم استقلال دستگاه قضایی و جز اینها،
۵. *حوزه عملکرد دولت*: مواردی نظیر بی‌اعتنایی دولت به قراردادها، پاسخگو نبودن دولت، عدم حاکمیت شایسته سالاری، فساد در دستگاه اداری، شکاف بین عملکرد دولت و انتظارات مردم،
۶. *حوزه مسائل امنیت داخلی و بین‌المللی*: مواردی نظیر سیاست خارجی امنیت‌زدا، بروز درگیری‌های قومی در داخل، خطر بروز درگیری‌های خارجی، رویارویی ایران با آمریکا.

گنجی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود به بررسی اثر و اهمیت شاخص ریسک کشورها بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته است. بدین منظور، ۶۷ کشور در حال توسعه را بین سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۰۳ و با استفاده از روش پانل مورد ارزیابی قراردادده است. شاخص ریسک ارائه شده توسط مؤسسه *EIU* ملاک سنجش ریسک در مطالعه ایشان بوده است که به نتایج زیر رسیده است:

بین شاخص ریسک کشورها و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارتباط آماری معناداری وجود دارد و متغیر شاخص ریسک کشورها از معناداری بالایی در مدل برخوردار است. به نظر می‌رسد که شاخص ریسک و درجه امنیت برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار باشد و متغیرهای دیگر همچون درآمد خالص سرانه کشورها نمی‌توانند در مقابل ریسک کشورها نقش مسلط و مؤثری را ایفا نمایند. طبق مطالعه "پوپرسون"، بر اساس یک استدلال شناخته‌شده، ارتباط بین امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد مشخص شده است: در مدل‌های رشد نئوکلاسیک، افزایش نرخ سرمایه‌گذاری خصوصی در هر سطح از نرخ سرمایه‌گذاری دولتی، نرخ کلی سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد و این به نوبه خود، سطح تعادلی ستاده سرانه (ستاده به ازای هر کارگر) را ارتقا می‌بخشد. "پوپرسون" این دو ارتباط را از طریق یک دستگاه دو معادله‌ای به هم ربط داده‌است. در این دستگاه، سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد، متغیرهای درون‌زای مدل هستند و تأثیر امنیت سرمایه‌گذاری بر آنها آزمون شده است. "پوپرسون" ابتدا این دو معادله را بدون لحاظ کردن متغیرهای مربوط به امنیت اقتصادی، برآورد کرده و نتیجه گرفته است که سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد ارتباط زیادی با هم دارند. وی هم‌چنین با وارد کردن متغیر توضیحی (سرمایه‌گذاری ثابت دولتی به تولید ناخالص داخلی) در مدل، نشان داده است که رابطه معناداری بین سرمایه‌گذاری دولتی و رشد اقتصادی وجود ندارد. "پوپرسون"، سپس متغیرهای امنیت اقتصادی را به معادلات افزوده و نتیجه می‌گیرد که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد به صورت زیر از مؤلفه‌های امنیت اقتصادی تأثیر می‌پذیرند:

۱. آزادی‌های مدنی، کیفیت بوروکراسی و ریسک سلب مالکیت بر سرمایه‌گذاری خصوصی مؤثرند. وقتی این سه متغیر ثابت نگه داشته شوند، هیچ یک از فاکتورهای دیگر امنیت اقتصادی، به طور معنادار بر سرمایه‌گذاری خصوصی تأثیر گذار نیستند.
۲. ریسک سلب مالکیت و تروریسم سیاسی در کوتاه تا میان مدت بر رشد مؤثرند. وقتی این دو متغیر ثابت نگه داشته شوند، هیچ یک از فاکتورهای دیگر امنیت اقتصادی به‌طور معنادار بر رشد (در کوتاه تا میان مدت) مؤثر نیستند.
۳. فساد و خطر بی‌اعتنایی به قراردادهای توسط دولت، در بلندمدت بر رشد مؤثرند. جز این دو فاکتور، مؤلفه‌های دیگر امنیت اقتصادی اثر معناداری بر رشد ندارند.

نتیجه کلی پژوهش تجربی پوپرسون که با استفاده از روش داده‌های تابلویی^۶ به انجام رسیده است، تأیید تأثیرپذیری عمیق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی از مفهوم کلی، امنیت اقتصادی است. فابریسیوس در پژوهشی با عنوان "تأثیر امنیت اقتصادی بر سپرده‌های بانکی و سرمایه‌گذاری (۱۹۹۸)" تأثیر مثبت و معنی‌دار خطر بروز جنگ داخلی، تروریسم سیاسی، کیفیت بوروکراسی و فساد را بر سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی اثبات نموده است. این پژوهش، شاخصی را برای امنیت اقتصادی پیشنهاد می‌کند که از میانگین وزنی ۱۲ متغیر نهادی زیر ساخته شده است:

ثبات رهبری سیاسی، خطر بروز منازعات خارجی، فساد در دستگاه دولتی، حاکمیت نظم و قانون، خطر بروز تنش‌های نژادی و قومی، تروریسم سیاسی، کیفیت بوروکراسی (مشمول بر درجه استقلال دستگاه اداری از فشارهای سیاسی)، خطر بی‌اعتنایی به قراردادهای توسط دولت، شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت، حقوق سیاسی شهروندان، درجه آزادی‌های سیاسی در جامعه.

"فابریسیوس" با استفاده از سه متغیر "نرخ سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی (I/GDP)"، نسبت سپرده‌های دیداری، زمانی، پس‌انداز و ارزی به $(CIM) m^2$ و نسبت سپرده‌های زمانی، پس‌انداز و ارزی به $(HCIM) m^2$ ^۸، قدرت توضیح‌دهندگی شاخص امنیت

^۶. Panel Data

^۸. $Contract\ Incentive\ Money = CIM$

اقتصادی را آزمون کرده است. به بیان دیگر، وی با استفاده از این شاخص‌ها و متغیرهای سه‌گانه CIM ، I/GDP و $HCIM$ تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سپرده‌گذاری مردم در بانک‌ها را از عواملی که امنیت موردنظر سرمایه‌گذاران را تضمین یا تهدید می‌کند، اثبات نموده است. مفهوم امنیت اقتصادی، بر خلاف مجموعه‌های نهادی محدود، به مجموع ویژگی‌های نهادی یک اقتصاد اشاره دارد و سازمان‌ها، قوانین، سنت‌ها و ایدئولوژی‌ها را در بر می‌گیرد. به طور مثال، "فابریسیوس" در شاخص عمومی امنیت اقتصادی خود ۱۲ عنصر نهادی مهم را جای داده است. نکته مهمی که فابریسیوس به آن توجه می‌دهد، این است که با توجه به این که شاخص عمومی امنیت اقتصادی خود میانگین چندین شاخص است، به طور طبیعی برخی از اطلاعات موجود در آن شاخص‌ها را از دست می‌دهد. به همین دلیل، وی پیش‌بینی کرده است که این شاخص کمتر از مجموعه‌های نهادی، از توان توضیح‌دهندگی تغییرات سپرده‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها برخوردار باشد. "فابریسیوس" نیز همچون "هلن پویرسون"، متغیرهای مورد نظر خود را از دو منبع بین‌المللی یعنی $ICRG$ ^{۱۱} و خانه آزادی^{۱۲} گرفته است. به طور مشخص، هر دو نفر دو متغیر "حقوق سیاسی شهروندان" و "درجه آزادی سیاسی در جامعه" را از خانه آزادی و ده متغیر دیگر را از $ICRG$ گرفته‌اند. ۹ متغیر از این ده متغیر یعنی ثبات رهبری سیاسی، خطر بروز منازعات خارجی، فساد در دستگاه دولتی، حاکمیت نظم و قانون، خطر بروز تنش‌های نژادی و قومی، تروریسم سیاسی، خطر بروز جنگ داخلی، کیفیت بوروکراسی و خطر بی‌اعتنایی به قراردادها توسط دولت در هر دو مطالعه به صورت مشترک مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان دهمین متغیر، در پژوهش "هلن پویرسون" از "ریسک سلب مالکیت توسط دولت" و در پژوهش "فابریسیوس" از "شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت" استفاده شده است. تفاوت دیگر این دو پژوهش این است که "هلن پویرسون" سری‌های زمانی مربوط به ۵۳ کشور را بررسی کرده در حالیکه "فابریسیوس" از داده‌های زمانی ۱۳۰ کشور بهره برده است. همچنین با توجه به محدودیت منابع مورد استفاده، هر دو مطالعه، محدوده زمانی ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۵ را به عنوان دوره زمانی پژوهش برگزیده‌اند.

بنگوا و روبلس (۲۰۰۳)^{۱۳} در مطالعه خود به بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. ایشان با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۹ در ۱۸ کشور آمریکای لاتین و با به کارگیری روش پانل اقدام به بررسی این موضوع نموده‌اند. شاخص‌های منتشر شده توسط بنیاد هریتیج^{۱۳} به منظور ارزیابی درجه آزادی اقتصادی به کار رفته است. نتایج نشان می‌دهد که آزادی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. از سوی دیگر، ضریب تولید ناخالص داخلی نیز برای تمام کشورها مثبت و معنادار بوده که نشان می‌دهد اندازه بازار از عوامل مهم جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این منطقه بوده است. از طرف دیگر، شاخص بدهی‌های خارجی کشورها دارای علامت منفی بوده و تأثیر کاهنده بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است؛ زیرا

CIM در سال ۱۹۹۶ توسط کریستوفر کلارک، فیلیپ کیفر، استفن نک و مانکر اولسون به عنوان شاخصی برای امنیت حقوق مالکیت پیشنهاد شد. طبق تعریف، CIM عبارت است از نسبت سپرده‌های دیداری، زمانی، پس‌انداز و ارزی تودیع شده در نظام بانکی کشور به $m2$. به عبارت دیگر $CIM = m2 / (m2 . c)$.

$HCIM$ نسبت سپرده‌های زمانی، پس‌انداز و ارزی $m2$ است. به بیان دیگر، در این شاخص، سپرده‌های دیداری که سنخیت بیشتری با C (وجوه در دست مردم) و تشابه کمتری با سپرده‌های زمانی و پس‌انداز دارد از CIM استثنای شده است.

۹ . $Highly Contract Insetive Money = HCIM$

^{۱۱} . International Country Risk Guide

این مجموعه توسط مؤسسه PRS (political risk service) که یک مؤسسه خصوصی رتبه‌بندی ریسک کشوری است و مقر آن در نیویورک واقع است، به صورت ادواری تهیه و منتشر می‌شود.

^{۱۲} . Freedom House

^{۱۳} . Bengoa & Robles (۲۰۰۳)

^{۱۴} . Heritage Foundation

کشورهای با بدهی خارجی بالا دارای ریسک بیشتری بوده و جذابیت کمتری برای سرمایه‌گذاران خارجی دارند. از سوی دیگر، تورم که نشانه‌ای از سطح نااطمینانی و عدم‌توانایی در اجرای سیاست‌های پولی مناسب توسط دولت است نیز تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. زیرساخت‌های اقتصادی (سرمایه‌گذاری دولت در حمل و نقل) نیز تأثیر مثبت بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای حوزه آمریکای لاتین داشته است. یافته‌های این پژوهشگران نشان داده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با رشد اقتصادی رابطه‌ای مثبت داشته و باعث افزایش آن می‌شود. با توجه به این یافته، بنگوا و روبلس کشورهای آمریکای لاتین را به افزایش سرمایه‌انسانی، آزادسازی بازارهای مالی و باثبات‌تر کردن اقتصادهایشان توصیه می‌کنند.

وارتنی و همکاران (۲۰۰۴)^{۱۴} در مقاله‌شان به بررسی تأثیر نهادها بر سرمایه‌گذاری و رشد پرداخته‌اند. تعداد ۹۶ کشور در طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ مجموعه داده‌ای ایشان را تشکیل می‌داد. یافته‌های آنان وجود رابطه تنگاتنگی بین کیفیت نهادی و شکوفایی اقتصادی را تایید می‌کند. نتایج مطالعات ایشان حاکی از این است که نرخ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بهره‌وری آن در کشورهای با کیفیت نهادی بالا به مراتب از سایر کشورها، بیشتر است. و این کشورها سرمایه‌سرنانه بیشتری را جذب کرده و رشد سرنانه به ازای هر واحد سرمایه‌گذاری در این کشورها به مراتب بیشتر از کشورهای دیگر بوده است. درآمد سرنانه اولیه، موقعیت جغرافیایی و سرمایه‌انسانی از عوامل دیگر مؤثر بر افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در این کشورها بوده است. براساس نتایج مدل، در کشورهایی که شاخص کیفیت نهادی آنها بیشتر از هفت بوده است، سهم نسبی سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی ۷۵ درصد بیشتر از کشورهایی است که شاخص‌های نهادی آنها کمتر از ۵ بوده است. به طور مشابه، سرمایه‌گذاری خصوصی نیز در این کشورها در حدود ۲۵ درصد کارآتر و بهره‌ورتر عمل می‌کند.

مطالعه داوودی و تانزی (۱۹۹۷)^{۱۵} که در صندوق بین‌المللی پول و در سال ۱۹۹۷ انجام شده است به بررسی رابطه بین فساد، سرمایه‌گذاری دولتی و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف پرداخته است. این پژوهش در سه سطح برای کشورهای در حال توسعه، کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و تمام کشورها و با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۵ و با استفاده از روش پانل^{۱۶} انجام شده است. ایشان برای سنجش میزان فساد اداری در کشورهای مختلف از شاخص‌های منتشر شده توسط مؤسسه *ICRG*^{۱۷} و مؤسسه *BI*^{۱۸} استفاده کرده‌اند. براساس یافته‌های ایشان فساد و به‌ویژه فساد دستگاه‌های اداری کشور فرآیند تصمیم‌گیری در مورد پروژه‌های عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و در کشورهایی که نهادهای نظارتی وجود ندارد این تأثیر شدیدتر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش نرخ فساد در سیستم اداری کشورها به افزایش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و در کنار آن کاهش بهره‌وری این سرمایه‌گذاری‌ها منجر می‌شود. لذا کشورهای مختلف و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه باید از تشویق صرف و حمایت خالص از سرمایه‌گذاری‌های دولتی بدون توجه به کارایی آن خودداری کنند. بر این اساس، فساد اداری بالاتر به نتایج زیر در کشورها منجر می‌شود:

- سرمایه‌گذاری بالاتر دولت: هر چه فساد افزایش می‌یابد امکان سوء استفاده از منابع دولتی افزایش یافته و سرمایه‌گذاری‌های دولتی با کارایی کمتر افزایش می‌یابد.
- درآمدهای کمتر دولت: فساد بالا باعث کاهش کارایی فعالیت‌های اقتصادی شده و درآمدهای عمومی دولت را از محل مالیات‌ها و یا بازدهی پروژه‌ها کاهش می‌دهد.

^{۱۴} . Gwartney & Holcombe & Lawson (۲۰۰۴)

^{۱۵} . Vito Tanzi & Hamid Davoodi

^{۱۶} . Panel Data

^{۱۷} . International Country Risk Guide

^{۱۸} . Business International

- کیفیت پایین زیر ساخت‌های عمومی: فساد بالا، باعث کاهش نظارت و سختگیری بر پروژه‌های دولتی شده و این نوع پروژه‌ها با کیفیت پایینی تحویل داده می‌شود.
- سرمایه‌گذاری کمتر بخش خصوصی: هر چه فساد اداری در کشوری بالاتر باشد بخش خصوصی تمایل کمتری برای سرمایه‌گذاری در آن کشور خواهد داشت.

۵. ارائه مدل

بر اساس مطالعات صورت گرفته و با توجه به مدل‌های مورد استفاده در پژوهش‌های پیشین، مدل اصلی مورد استفاده در این پژوهش به صورت زیر است:

$$Growth_{it} = \beta_0 + \beta_1 Inflation_{it} + \beta_2 Popg_{it} + \beta_3 Gover_{it} + \beta_4 Labor_{it} + \beta_5 capital_{it} + \beta_6 FDI_{it} + \beta_7 Sec_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$Growth_{it}$: نرخ رشد اقتصادی کشور i در سال t ،

$Inflation_{it}$: نرخ تورم کشور i در سال t ،

$Popg_{it}$: نرخ رشد جمعیت کشور i در سال t ،

$Gover_{it}$: نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی کشور i در سال t ،

$Labor_{it}$: نرخ رشد نیروی کار کشور i در سال t ،

$capital_{it}$: نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت کشور i در سال t ،

FDI_{it} : نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی کشور i در سال t ،

Sec_{it} : شاخص امنیت اقتصادی کشور i در سال t ،

ε_{it} : جزء اخلاص.

هر یک از متغیرهای موجود در این مدل، نوع رابطه آن با رشد اقتصادی و منبع گردآوری اطلاعات هر یک را معرفی می‌نماییم.

۵-۱. نرخ تورم

بر اساس ادبیات اقتصادی انتظار بر آن است که افزایش نرخ تورم باعث کاهش نرخ رشد اقتصادی کشورها شود. اطلاعات مربوط به متغیر نرخ تورم کشورها از اطلاعات بانک جهانی استخراج شده و نشان‌دهنده شاخص تغییرات شاخص قیمت خرده‌فروشی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است.

۵-۲. نرخ رشد جمعیت

افزایش نرخ جمعیت از دو طریق بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است؛ افزایش تقاضا و افزایش نیروی کار فعال کشور در آینده. بدین‌روی، انتظار بر این است که رابطه بین نرخ رشد جمعیت و رشد اقتصادی مثبت باشد. اطلاعات نرخ رشد جمعیت نیز از آمارهای منتشرشده بانک جهانی استخراج شده‌است.

۳-۵. نرخ رشد نیروی کار

در بیشتر نظریه‌های مطرح شده در حوزه رشد به عنوان یکی از دو عامل تولید اساسی نقش به‌سزایی در افزایش رشد اقتصادی دارد و رشد آن باعث افزایش رشد اقتصادی خواهد شد. اطلاعات این عامل نیز از بانک جهانی (WDI, ۲۰۰۷) استخراج شده است.

۴-۵. نرخ رشد تشکیل سرمایه

در توابع تولید ارائه شده به عنوان یکی از دو عامل تولیدی در کنار نیروی کار مطرح است و رابطه مثبتی با تولید دارد. بدین‌رو، انتظار بر این است که افزایش نرخ رشد تشکیل سرمایه باعث افزایش نرخ رشد اقتصاد در کشور شود. اطلاعات مربوط به نرخ رشد تشکیل سرمایه در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی از اطلاعات منتشر شده توسط بانک جهانی استخراج شده است.

۵-۵. سهم دولت در اقتصاد

با توجه به سهم بالای دولت‌ها در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی که تقریباً همگی در رده کشورهای در حال توسعه طبقه‌بندی می‌شوند و با توجه به نظریه رشد بارو^{۱۹} انتظار بر این است که افزایش مخارج دولت باعث افزایش نرخ رشد اقتصادی کشورهای اسلامی شود؛ زیرا دولت‌های این کشورها دخالت بالایی در اقتصاد کشورهای خود داشته و به عنوان یکی از بازیگران بزرگ اقتصادی فعالیت می‌کنند لذا افزایش مخارج آنها می‌تواند به عنوان محرکی برای افزایش رشد اقتصادی تلقی شود. بنابراین، انتظار می‌رود رابطه نرخ رشد اقتصادی و سهم دولت در اقتصاد رابطه‌ای مثبت باشد. این شاخص از نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید.

۶-۵. نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی

با توجه به اینکه بیشتر کشورهای عضو کنفرانس اسلامی نیاز شدیدی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در خصوص انتقال مهارت‌های مدیریتی، انتقال تکنولوژی‌های بهتر، دسترسی به بازارهای جهانی و موارد دیگر دارند، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی آنها خواهد داشت. در حقیقت سرمایه‌های خارجی همانند افزایش سرمایه‌گذاری داخلی عمل نموده و انتظار می‌رود که باعث افزایش رشد اقتصادی کشور شود.

۷-۵. امنیت اقتصادی

افزایش امنیت اقتصادی به معنی افزایش شرایط رقابت کامل و بالا رفتن حقوق مالکیت در هر اقتصاد بوده و با افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران و بالا بردن قدرت پیش‌بینی و تحلیل آینده توسط آنها، شرایط لازم برای افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. بر این اساس، انتظار می‌رود این متغیر رابطه مثبتی با رشد اقتصادی داشته و افزایش آن باعث افزایش رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی شود.

۶. برآورد الگو از روش داده‌های تابلویی^{۲۰}

برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی شامل مراحل زیر است:

- آزمون‌های تشخیص بر روی داده‌ها،

^{۱۹}. Robert Barro

^{۲۰}. Panel Data

- آزمون قابلیت برآورد مدل به صورت داده‌های تابلویی^{۲۱}

- آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی،

- برآورد پارامترها.

جدول ۳ نتایج آزمون ریشه واحد همجمعی بر روی متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش یعنی رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این پژوهش برای انجام آزمون پایایی از آزمون‌های هاردی^{۲۲} استفاده کرده‌ایم. فرضیه صفر در هر دو آزمون مبنی بر ناپایایی (عدم وجود ریشه واحد) متغیرهاست، لذا چنانچه مقدار آماره Z و t محاسبه شده بزرگتر از مقدار بحرانی مربوط به سطوح اطمینان رایج باشد، فرضیه صفر مبتنی بر ناپایایی رد خواهد شد. بررسی مقادیر آماره‌های Z محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها نشان می‌دهد که احتمال رد فرضیه صفر متغیرها، ۹۵ درصد و بالاتر است. با توجه به اطلاعات جدول ۳ نتیجه می‌گیریم پایایی جمعی تمام متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد همجمعی^{۲۳} بر روی متغیرهای مدل

Hardi Z-Test		نام متغیر
Value	Prob.	
۸.۷۸۰۱	۰/۰۰۰	Growth
۸.۲۹۱۱	۰/۰۰۰	INFLATION
۴.۵۹۳۱	۰/۰۰۰	FDI
۹.۵۶۶۹	۰/۰۰۰	POPG
۹.۶۱۱۱	۰/۰۰۰	Gover
۷.۵۵۹	۰/۰۰۰	laborg
۴.۵۰۴۹	۰/۰۰۰	Capitalg
۹.۷۲۲۰	۰/۰۰۰	Sec

مأخذ: محاسبات انجام شده با استفاده از نرم‌افزار Eviews۵

پیش از برآورد مدل، از روش برآورد داده‌های تابلویی یا پانل باید اطمینان حاصل نمود که امکان برآورد به صورت جمعی وجود ندارد. در این آزمون، تفاوت ضرایب برآورد شده برای تک تک کشورها با ضرایب برآورد شده حاصل از داده‌های جمعی از طریق آماره زیر بررسی می‌شود. فرضیه صفر این آزمون آن است که تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضرایب برآورد شده رگرسیون جمعی وجود ندارد، بدین معنی است که لزومی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی وجود ندارد.

$$F_{obs} = \frac{(e'e_0 - e'e_a)/(N-1)}{e'e_a/(NT - (N+K))} = F[(N-1), (NT - N - K)]$$

$e'e_0$: مدل مقید^{۲۴} : $e'e_a$: مدل نامقید^{۲۵}

^{۲۱} . Poolability

^{۲۲} .Hardi

^{۲۳} . Common Unit Root

^{۲۴} . Model Common

در این رابطه، $e'e_0$ مجموع مجذور خطاهای مدل رگرسیون مقید (اثر مقطع با هم برابر و مساوی صفر باشد) است و $e'e_a$ مجموع مجذور خطاهای معادله رگرسیونی نامقید (اثرات مقطع معنادار بوده و باید مدل به صورت داده‌های تابلویی برآورد شود) می‌باشد. همچنین، نمادهای N ، T و K به ترتیب تعداد مقاطع، تعداد مشاهدات موجود در هر یک از مقاطع و تعداد پارامترهای موجود در مدل است. آماره آزمون بالا، آماره F با درجه آزادی $(N-1)$ و $NT-(N+K)$ است. با توجه به اینکه در این پژوهش تعداد مقاطع (کشورها) برابر ۴۸، تعداد مشاهدات (سال‌ها) برابر ۹ و پارامترها برابر ۹ است، خواهیم داشت:

جدول ۴. نتایج آزمون قابلیت برآورد مدل به صورت داده‌های تابلویی

ردیف	متغیر	مقدار
۱	مجموع مجذور خطاهای مدل رگرسیون مقید $e'e_0$	۵۳۵۱۶۷
۲	مجموع مجذور خطاهای معادله رگرسیونی نامقید $e'e_a$	۴۵۴۳
۳	درجه آزادی صورت	۴۷
۴	درجه آزادی مخرج	۴۶۰
۵	مقدار آماره F	۱.۷۴
۶	مقدار بحرانی آماره F در سطح ۹۵٪	۱.۳۵

ملاحظه می‌شود که آماره F برآورد شده بیشتر از مقادیر بحرانی متناظر با سطح اطمینان ۹۵ درصد است. بدین‌روی، فرضیه صفر مبنی بر قابلیت برآورد داده‌ها به شیوه جمعی پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های تابلویی یا پانل برآورد شود. پس از اینکه اطمینان حاصل نمودیم که مدل مورد بررسی باید به صورت پانل برآورد شد، مهم‌ترین پرسش که مطرح می‌شود این است که اثرات مقطعی به صورت ثابت (وجود اثرات ثابت) هستند یا تصادفی (وجود اثرات تصادفی)؟ تعیین آنکه در مورد یک نمونه از داده‌ها کدامیک از این دو روش باید مورد استفاده قرار گیرد از طریق آزمون‌های خاص خود انجام می‌گیرد. یکی از رایج‌ترین این آزمون‌ها، آزمون هاسمن^{۲۶} است. فرضیه صفر آزمون هاسمن آن است که مدل دارای اثرات تصادفی است. آماره این آزمون نیز آماره χ^2 کای دو می‌باشد. اگر مقدار آماره χ^2 محاسبه شده بیشتر از مقادیر بحرانی آن باشد، فرضیه صفر مبتنی بر لزوم برآورد مدل به صورت اثرات تصادفی پذیرفته نخواهد شد.

۲۵ . Model Fixed Effect

۲۶ .Hausman Test

جدول ۵. نتایج آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی

Correlated Random Effects - Hausman Test			
Pool: SECURITY			
Test cross-section random effects			
Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	21.820102	8	0.0053

مأخذ: نتایج محاسبات با استفاده از Eviews^۶

با توجه به نتایج آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی، فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد می‌شود. بنابراین لازم است که مدل به صورت اثرات ثابت برآورد شود. در نهایت، از الگوی زیر به عنوان الگوی کلی مدل استفاده می‌کنیم:

$$Growth_{it} = \beta_0 + \beta_1 Inflation_{it} + \beta_2 Popg_{it} + \beta_3 Gover_{it} + \beta_4 Labor_{it} + \beta_5 capital_{it} + \beta_6 FDI_{it} + \beta_7 Sec_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$Growth_{it}$: نرخ رشد اقتصادی کشور i در سال t

$Inflation_{it}$: نرخ تورم کشور i در سال t

$Popg_{it}$: نرخ رشد جمعیت کشور i در سال t

$Gover_{it}$: نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی کشور i در سال t

$Labor_{it}$: نرخ رشد نیروی کار کشور i در سال t

$capital_{it}$: نرخ رشد تشکیل سرمایه کشور i در سال t

FDI_{it} : نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی کشور i در سال t

Sec_{it} : شاخص امنیت اقتصادی کشور i در سال t

ε_{it} : جزء اخلاص.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون‌های مربوطه، نتایج برآورد رابطه بالا به صورت زیر است:

$$Growth_{it} = -4.99 + 0.033Inflation_{it} + 1.036 Popg_{it} + .00004Gover_{it} + .00019 Labor_{it} + .0346capital_{it} + .0688FDI_{it} + .0637 Sec_{it}$$

(-2.405) (2.8) (2.628) (2.848)

(4.698) (1.337) (2.055)

$$R^2 = 0.683$$

با توجه به نتایج برآورد تمام پارامترها علامت مورد انتظار را داشته و علامت آنها منطبق با انتظار تئوریک است. متغیرهای نرخ رشد جمعیت، سهم دولت در اقتصاد، نرخ رشد نیروی کار، نرخ رشد سرمایه ثابت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امنیت اقتصادی تأثیر مثبت بر رشد

اقتصادی داشته و متغیر تورم باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر، تمام پارامترهای برآورد شده در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده و تنها متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که در سطح ۸۰ درصد معنادار است.

بر اساس یافته‌های مدل برآورد شده، امنیت اقتصادی رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در دوره مورد بررسی داشته است. بدین‌رو، انتظار می‌رود افزایش امنیت اقتصادی باعث افزایش رشد اقتصادی در این کشورها شود. بر این اساس، فرضیه اصلی این پژوهش که بر اساس آن: "میان امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی یک رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد." تایید می‌شود. بر این اساس؛ کشورهای اسلامی می‌توانند با افزایش شاخص امنیت اقتصادی و ارتقای سطح اطمینان سرمایه‌گذاران و فراهم‌نمودن شرایط مناسب برای فعالیت آنها رشد اقتصادی خود را افزایش دهند.

جدول ۶. کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی

پاکستان	گویان	افغانستان *
قطر	اندونزی	آلبانی
عربستان سعودی	ایران	الجزایر
سنگال	عراق *	آذربایجان
سیرا لئون	اردن	بحرین
سومالی *	قزاقستان	بنگلادش
سودان	کویت	بنین
سورینام	قرقیزستان	برونئی *
سوریه	لبنان	بورکینافاسو
تاجیکستان	لیبی *	کامرون
توگو	مالزی	چاد
تونس	مالدیو *	کومور *
ترکیه	مالی	ساحل عاج *
ترکمنستان	موریتانی	جیبوتی
اوگاندا	مراکش	مصر
امارات متحده عربی	موزامبیک	گابن
ازبکستان	نیجر	گامبیا
یمن	نیجریه	گینه
فلسطین *	عمان	گینه بیسائو

* کشورهایایی که به دلیل کمبود اطلاعات از برآورد نهایی حذف شده‌اند.

۷. مقایسه میانگین شاخص امنیت اقتصادی در ایران با کشورهای اسلامی دیگر

دومین فرضیه موجود در این پژوهش به بررسی شاخص امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی در ایران و مقایسه آن با کشورهای اسلامی دیگر مربوط می‌شود. بر این اساس، فرضیه دوم به صورت زیر تعریف شده است: "عملکرد ایران در رابطه با امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی با متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی یکسان است."

دو گزاره اساسی در این فرض در خصوص ایران وجود دارد:

۱. متوسط رشد اقتصادی ایران و متوسط رشد اقتصادی کشورهای اسلامی دیگر یکسان است.

۲. شاخص امنیت اقتصادی در ایران با کشورهای اسلامی دیگر تفاوت معنا داری ندارد.

برای بررسی فرض اول می توان در رابطه برآورد شده توسط نرم افزار *Eviews* یک متغیر مجازی^{۲۷} برای ایران تعریف کرد. این متغیر برای ایران عدد یک و برای کشورهای دیگر عضو کنفرانس اسلامی عدد صفر اختیار می شود. با وارد کردن این متغیر مجازی در مدل نتایج حاصل از برآورد معادله به صورت زیر است:

$$\begin{aligned} Growth_{it} = & 0.012Inflation_{it} + .37Popg_{it} + .00004Gover_{it} + .000026Labor_{it} \\ & (1.177) \quad (3.158) \quad (.169) \quad (4.457) \\ & + .048capital_{it} + .105FDI_{it} + .054Sec_{it} + 1.709DAM_{it} \\ & (6.222) \quad (3.38) \quad (8.89) \quad (3.289) \end{aligned}$$

$$R^2 = 0.634$$

با توجه به نتایج برآورد ملاحظه می کنیم که ضریب متغیر دامی مربوط به ایران مثبت و در سطح ۹۵ درصد معنادار است. بدین روی، می توان نتیجه گرفت که متوسط رشد اقتصادی ایران در دوره مورد بررسی از کشورهای دیگر عضو کنفرانس اسلامی بالاتر بوده و ایران در این زمینه توانسته است که عملکرد بهتری نسبت به کشورهای اسلامی دیگر داشته باشد.

در مرحله بعد، به منظور مقایسه میانگین شاخص امنیت اقتصادی ایران با کشورهای دیگر عضو کنفرانس اسلامی از آمار تحلیلی و آزمون t استفاده کرده ایم. به این منظور، با محاسبه میانگین شاخص امنیت اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی آزمون زیر را انجام می دهیم:

$$\left\{ \begin{array}{l} sec_{IRI} < Avr Islamic \\ sec_{IRI} \geq Avr Islamic \end{array} \right.$$

شاخص امنیت اقتصادی ایران بزرگتر یا مساوی با کشورهای اسلامی دیگر است.

شاخص امنیت اقتصادی ایران بزرگتر یا مساوی با کشورهای اسلامی دیگر است.

گفتنی است آمار منتشر شده توسط بنیاد هریتیج که در این پژوهش از آن استفاده کرده ایم، در دامنه صفر تا ۱۰۰ محاسبه می شود و مقدار بیشتر آن به معنی وضعیت بهتر و امنیت بیشتر است. لذا فرضیه صفر به صورت برابر مطرح شد. به منظور آزمون این فرضیه میانگین شاخص امنیت اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی را در سال های ۱۹۹۷-۲۰۰۵ محاسبه کرده و مقدار آن را با شاخص امنیت اقتصادی مربوط به ایران مقایسه کرده ایم. نتایج این آزمون را در جدول ۵ ارائه کرده ایم. همان طور که از نتایج این جدول مشخص است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد نمی توان فرضیه صفر را رد کرد. براین اساس می توان نتیجه گرفت عملکرد ایران در زمینه شاخص امنیت اقتصادی تفاوت معناداری با میانگین سایر کشورهای اسلامی دیگر دارد و شاخص امنیت اقتصادی ایران از متوسط کشورهای اسلامی پایین تر است. این امر را می توان با مشاهده جدول ۵ نیز تا حدودی استنباط نمود. براساس ردیف های اول و دوم این جدول، شاخص امنیت اقتصادی ایران در دوره مورد بررسی همواره کمتر از میانگین کشورهای اسلامی بوده و ایران عملکرد مطلوبی در این زمینه نداشته است.

جدول ۷. آزمون برابری شاخص امنیت اقتصادی ایران با کشورهای دیگر عضو کنفرانس اسلامی

^{۲۷} . Dummy

متغیر	سال	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
میانگین شاخص امنیت کشورهای اسلامی		۵۱.۹	۵۲.۴	۵۲.۹	۵۲.۷	۵۳.۰	۵۲.۸	۵۲.۹	۵۲.۸	۵۳.۲
شاخص ایران		۳۱.۶۱	۳۳.۱۸	۳۳.۹۸	۳۴.۶۸	۳۳.۰۳	۳۳.۲۹	۳۹.۳۵	۳۸.۷۲	۴۳.۹۰
واریانس داده ها		۱۳۸.۷۷	۱۳۴.۲۴	۱۲۰.۴۵	۹۷.۸۶	۹۰.۶۶	۷۹.۷۶	۶۲.۳۲	۵۸.۰۰	۳۸.۹۰
آماره آزمون		-۱۱.۷۹	-۱۱.۳۹	-۱۱.۸۰	-۱۲.۵۲	-۱۴.۳۶	-۱۴.۹۷	-۱۱.۸۰	-۱۲.۶۷	-۱۰.۲۶
مقدار بحرانی (۹۵٪)		-۱.۶۸	-۱.۶۸	-۱.۶۸	-۱.۶۸	-۱.۶۸	-۱.۶۸	-۱.۶۸	-۱.۶۸	-۱.۶۸

۸ جمع بندی

متغیرهای تورم، نرخ رشد جمعیت، نرخ رشد نیروی کار، نرخ رشد سرمایه، سهم دولت در اقتصاد، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی و امنیت اقتصادی به عنوان متغیرهای مستقل در مدل وارد شده‌اند. با استفاده از آزمون‌های مختلف، پایایی جمعی متغیرها، قابلیت برآورد مدل به صورت داده‌های تابلویی و نوع برآورد (اثرات ثابت یا تصادفی) را مورد بررسی قرار داده و مدل نهایی را به صورت پانل و به صورت اثرات ثابت برآورد کردیم. بر اساس نتایج برآورد، تمام متغیرها علامت مورد انتظار را داشته و در سطح ۹۵ درصد معنادار هستند. (به استثنای سرمایه‌گذاری خارجی که در سطح ۲۰ درصد معنادار است). متغیر نرخ تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته و متغیرهای دیگر دارای تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی در این کشورها دارند. براساس یافته‌ها، امنیت اقتصادی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی در دوره مورد بررسی بوده است. براین اساس افزایش شاخص‌های امنیت اقتصادی در این کشورها می‌تواند به رشد اقتصادی این کشورها و فرآیند توسعه آنها کمک شایانی نماید.

منابع

- احمدی حدید، بهروز. (۱۳۸۶). *تأثیر امنیت اقتصادی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- بید آباد، بیژن. (۱۳۸۰). *امنیت اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری*، مجموعه مقالات همایش مسائل سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصاد در ایران، تهران.
- پاداش، حمید. (۱۳۸۶). *بررسی تحلیلی اقتصاد نهادگرا و ارزیابی نقش نهادها در فرآیند توسعه ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- پرتوی شفق، ملوک. (۱۳۸۱). *سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر مولفه‌های موثر اقتصادی و سیاسی*، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۲۱.
- پورسید، بهزاد. (۱۳۸۲). *امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی*، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی. معاونت آموزش و پژوهشات قوه قضاییه.
- حسین زاده بحرینی، محمد حسین. (۱۳۸۲). *تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران*، پایان نامه دوره دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ریاضی، افسانه. (۱۳۸۲). *سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی*، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران
- سزوار، محمد. (۱۳۸۲). *دلایل کاهش امنیت اقتصادی در ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- عبدلی، گیلدا. (۱۳۸۱). *امنیت اقتصادی و تأثیر آن بر جذب منابع مالی (با تأکید بر بخش صنعت)*، موسسه توسعه و پژوهش‌های اقتصادی دانشگاه تهران.

قاسمیان، سلیمان. (۱۳۸۲). نگاهی به مفهوم امنیت اقتصادی و نقش آن در توسعه اقتصادی. مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی. معاونت آموزش و پژوهش‌های قوه قضاییه

ابریشمی، حمید، هادیان، محمد. (۱۳۸۳). رانت جویی و رشد اقتصادی: شواهد تجربی از اقتصاد ایران. مجله پژوهشات اقتصادی، شماره ۶۷

Barry Buzan. (۱۹۸۳). *People, States, And Fear. The National Security Problem in International Releation (Graet Britain: Weastsheaf Books, LTB).*

Burnetti, Aymo, Gregory, Kisunko and Beatrice Weder. (۱۹۹۷). *Credibility Of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of Private Sector. Word Bank Policy Research Working Paper No. ۱۷۶۰ (Washington: World Bank)*

Castanheira, Michael and Hadi Salehi Esfahani. (۲۰۰۱). *Political Economy of Growth: Lessons Learned And Challenge Ahead.*

Daniel Kaufmann, Aart Kraay And Pablo Zoido – Lobaton. (۱۹۹۹). *Governance Matters . World Bank.*

Daniel Kaufmann, Aart Kraay And Pablo Zoido – Lobaton, (۲۰۰۲). *Governance Matters. ii, Updated Indicators For ۲۰۰۰/۲۰۰۱, World Bank*

EIU, *Country Forcaste, ۲rd Quarter, ۱۹۹۸, Iran.*

Easterly, William and Ross Levin. (۱۹۹۷). *Africa,s Growth Tragedy: Policies And Ethnic Divisions. (Unpublished: Washington: World Bank)*

Freedom House. *Methodology, Official site: www.heritage.org.*

Gallie W.B. (۱۹۶۲). *Essentially Contestsd Concepts. In Max Blanck (ed), The Importance Of Language (New) Jersey, Prentice – Hal.*

Heritage Foundation. (۲۰۰۶). *Annual Index Of Freedom. available on: www.heritage.org.*

Iqbalur Rehman . (۱۹۹۲). *National Security And The Problem of Onconventional Warfare. Delhi: Kanishka Publishing House*

Macdonald Hugh. (۱۹۸۱). *The People Of Strategy And The Idea of Security. "Millennium, Lo, ۳.*

Mc. Namara, R. S. (۱۹۹۳). *The Essence of Security. New York, Harpper And Row, p.۹۶۸.*

Michael Fabricius . (۱۹۹۸). *The Impact Of Economic Security On Bank Deposits AND Investment . IMF, WP/۹۸/۹۸.*

Nordal B. Kjell . (۲۰۰۱). *Country risk, country risk indices and valuation of FDI: a real options approach. Emerging Markets Review, Vol.۲; PP. ۱۹۷_۲۱۷.*

Poirson, Helen . (۱۹۹۸). *Economic Security, Private Investment And Growth In Developing Countries. IMF Working Paper, WP/۹۸/۴.*

Salehi Esfahani, Hadi . *Political Economy Of Growth In Iran, ۱۹۶۳ – ۲۰۰۲ . Authors Homepage.*

Tanzi Vito & Davoodi. Hamid.(۱۹۹۷) .Corruption, Public Investment, and Growth. IMF, WP/۹۷/۱۳۹ .



پښتونستان د علوم او انساني مطالعات فریښی
پرتال جامع علوم انسانی

The Economic Security effects on Economic Growth in Islamic Conference Groups (ICG) with emphasizes on Iran

Ahmad Jafari Samimi Ph.D^{۲۸}

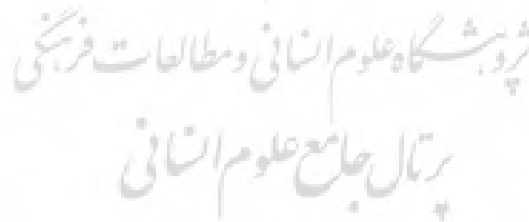
Shahram Ekhteyari, M.A^{۲۹}

Abstract

In this study, the relationship between economic growth and economic security in Islamic conference Group (ICG) with emphasis on Iran has been investigated. The finding based on Pooled panel data during ۱۹۹۷-۲۰۰۵ show that population growth, Labor force, capital Growth , government share of economic activities, the foreign Direct Investment (FDI) to GDP and economic security as influencing variables have been positive effects on economic growth among ICG's, but inflation had opposite effects. The other findings show Iran's economic security index is lesser than ICG average level. The results suggest that government should enhance security condition quality in economic activity.

JEL: O۵۳, B۵۲, C۲۳

Keywords: *Economic, Security, Economic Growth, Iran, Islamic Conference Group's (ICG's)*



^{۲۸} . Professor in Economics, Mazandaran University

^{۲۹} . M.A Student in Economics

